

خشونت علیه زنان با کلیشه‌های دوران مدرسه آغاز می‌شود

photo: Prissy girls and macho boys. jodigreen/theconversation.com

ننسی لومبارد - ترجمه از ایمان فیروزی فرد//

در بسیاری از جامعه‌ها و فرهنگ‌ها، خشونت بر پایه‌ی جنسیت، مشکلی نهادینه‌شده و عمیق است. باین وجود، تلاش‌ها برای به‌چالش کشیدن این مشکل در سطح مدرسه‌های ابتدایی به‌ندرت دیده می‌شود. دیدگاهی وجود دارد که معتقد است که کودکان یازده و دوازده‌ساله کوچک‌تر از آن هستند که خشونت را بفهمند و یا درباره‌ی آن نظر بدهند، ولی اگر می‌خواهیم با نگرش‌ها و رفتارهایی مقابله کنیم که می‌توانند به این نوع خشونت منجر شوند، این نوع نگاه باید تغییر کند.

اخیر پژوهشی را در این زمینه در پنج مدرسه‌ی ابتدایی در سراسر گلاسگو (Glasgow) انجام داده‌ام. در این تحقیق می‌خواستم نوع نگاه و تعریف کودکان را از خشونت بررسی کنم. پذیرش خشونت مردانه علیه زنان به شکل خاص چیزی بود که در نهایت به آن پی بردم.

متوجه شدم که جوانان خشونت را همیشه در چارچوب جنسیت فهمیده‌اند و معنا داده‌اند. آن‌ها به درونی کردن خشونت به‌عنوان بخشی اساسی از هویت مردانه گرایش داشتند. آن‌ها خشونت مردانه را با استفاده از نابرابری در نقش‌های جنسیتی توجیح کردند. خشونت رخ داده در میان دوستان و خواهران و برادران عادی شده بود و بنابراین، آن را به‌عنوان خشونت قضاوت نمی‌کردند.

پژوهش من نشان داد که تنها تحت شماری از شرایط نسبتن سختگیرانه است که رفتارها به‌عنوان خشونت تعریف می‌شوند. آن‌ها موقعیت خشن را موقعیتی دربردارنده‌ی دعوای مردان بالغ در خارج از خانه می‌دانند که جراحت و مجازات‌های قانونی به‌دنبال داشته باشد. این نوع از خشونت توسط رسانه، در فیلم‌ها و روزنامه‌ها شبیه‌سازی شده است. زمانی که نمونه‌های فرضی، این مسیر خطی را دنبال می‌کردند، کودکان تمایل بیشتری برای خشونت نامیدن آن‌ها داشتند.

پیش‌آمدهایی که نوجوانان خودشان تجربه کرده بودند کم‌تر عنوان خشونت را به خود گرفتند. این با شیوه‌ای ترکیب شده بود که در آن، تجربه‌ی شخصی دختران از هم‌سالان خشنشان (به‌خصوص پسران) معمولن به‌دلیل بالغ‌شناخته‌نشدن آن‌ها نامعتبر دانسته می‌شد.

مسئولان مدرسه مانند معلمان بیشتر سعی بر نادیده‌گرفتن خشونت وارده توسط پسران بر دختران را دارند. زمانی که دختران به معلم‌ها شکایت کردند که یک پسر آن‌ها را هل داده یا به آن‌ها ضربه زده است، معلمان با گفتن این‌که این روش پسران برای جلب توجه است یا «این کاری است که پسران انجام می‌دهند» سعی در عادی‌سازی آن رفتار داشتند. اگر رفتارهای خشونت‌آمیز مردان در برخورد با زنان عادی‌سازی شوند، این امکان وجود دارد که دختران با کوچک‌شمردن بدرفتاری به‌عنوان بخشی از ارتباطات بر پایه‌ی جنسیت با مردان به‌جای تشویق به مبارزه با آن به‌عنوان رفتاری اشتباه، بزرگ شوند.

به نظر می‌رسد که نقش‌های جنسیتی کلیشه‌ای با فهم نوجوانان از خشونت مردان علیه زنان در ارتباط هستند.

این به شکلی دیده شده است که هنگامی که صحبت از مرد و زن باشد، جوانان به یک گفتمان تفاوت (discourse of difference) استناد می‌کنند. بیشتر کودکان تفاوت جنسیتی بزرگ‌سالان را به‌عنوان روابط دگرجنس‌گرایانه‌ی نمادینی می‌شناسند که نقش‌های متفاوت داشتن را از زنان و مردان انتظار دارد. آن‌ها از سن هم به‌عنوان نشانه‌ای در برساخت‌های جنسیتی‌شان استفاده کردند. به این معنا که هرچه فردی بالغ‌تر شود هویت جنسیتی‌اش باثبات‌تر و محصورتر می‌شود.

این موضوع می‌تواند در ارتباط با آرزوهایی که دختران برای آینده دارند بهتر توضیح داده شود. دختران به شکل خاص، به‌دلیل فهمشان از نقش‌های جنسیتی مورد انتظار، آینده‌ای محدود و آرزوهایی محصور برای خود در ذهن دارند. دختران در سن‌های جوانی هویتشان را سیال و در حال تکامل می‌بینند درحالی‌که با افزایش سن، هویت خود را ثابت و نامتعدد می‌بینند. برای مثال، در حال حاضر، دختران طیف وسیعی از آرزوهایی مانند پزشک‌شدن، فضا‌نورد بودن، دانشمند شدن و رقصندگی است. با این وجود آن‌ها این آرزوها و فرصت‌ها را به همراه محدودبودن به دلیل ازدواج و بچه‌دار شدن می‌بینند، اما آرزوهای پسران و باورشان برای رسیدن به آن‌ها تغییر نکرد.

این نامعتبر دانستن تجربه‌های شخصی افراد از خشونت و درکشان از هویت که بر پایه‌ی جنسیت است، ضرورت ترویج برابری جنسیتی (gender equality) و کاهش دسته‌بندی‌های جنسیتی (gender divisions) را به‌منظور مقابله با این معضل اجتماعی نشان می‌دهد.

خشونت علیه زنان در نابرابری ساختاری میان زنان و مردان ریشه دارد. که هم دلیل به‌وجودآوردن نابرابری جنسیتی است و هم پی‌آمد آن.

هنگامی که کلیشه‌ها و دسته‌بندی‌های جنسیتی ماندگار باشند، جوانان خشونت مردان علیه زنان را کمتر به چالش می‌کشند.

ما باید نقش خود را در این موضوع به‌عنوان افراد بالغ جدی بگیریم. می‌توانیم به آن‌ها اشتباه‌بودن هرگونه خشونت را آموزش دهیم اما باید مراقب باشیم که ممکن است هویت و شخصیت آینده‌ی کودکان را محدود کنیم. به دختران و پسران مدام گفته می‌شود که با یکدیگر تفاوت دارند یا بعضی کارها مانند ایستادن در صف‌های جداگانه در مدرسه، داشتن ورزش‌ها، اسباب‌بازی‌ها یا فعالیت‌های مختص به یک جنس، صحبت کردن با آن‌ها به شکل‌های متفاوت یا انتظارات متفاوت از آن‌ها داشتن به این موضوع اشاره دارند.

ترویج برابری جنسیتی به این معناست که خشونت علیه زنان دیگر یک هنجار نیست یا این خشونت توسط کلیشه‌های جنسیتی تأیید نمی‌شود. تبعیض جنسیتی (gender segregation) و دسته‌بندی جنسیتی هم باید متوقف شوند و نیاز است که تمام افراد جامعه با هرگونه خشونت علیه زنان مبارزه کنند. تازمانی که همه این مهم را انجام ندهند، زنان هرگز به یک جایگاه برابر دست نخواهند یافت.

منبع: [الفبا](#)